

فساد ۹۲ هزار میلیاردی جرائم را تسهیل می‌کند

■ حسین فصیحی

فساد ۹۲ هزار میلیارد تومانی در شرکت فولاد اصفهان بیش از اینکه موفقیت برای کشف یک فساد بزرگ باشد، فلاکت ساختارهای نظارتی و قانونی برای پیشگیری از فساد را عیان تر کرد. با اینکه ساختارهای نظارتی و قانونی، وظیفه صیانت رفتار مدیران و مراقبت از اموال عمومی را عهده‌دار است، عیان شدن پرونده‌های کلان از بروز مفسده نشان می‌دهد ساختار موجود قادر نیست مقابل بروز مفسده از اموال عمومی صیانت کند. مطرح شدن پرونده‌های سلاطین سکه، قیر، دارو و پرونده‌های فسادهای کلان دیگر یک پیام ناگوار برای بدنه اجتماعی دارد و آن اینکه اعتماد عمومی به ساختارهای قانونی را از بین برده و این پرسش را بی‌جواب گذاشته که در سایه حاکمیت قانون، چرا و چگونه این همه مفسده در جریان است؟

این رویداد ناصواب زمانی اتفاق افتاده که تنگناهای اقتصادی، زندگی بخش زیادی از افراد جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. تنگناهای اقتصادی، بیکاری و شمار زیادی از افراد جامعه را شامل شده است. بخشی از این افراد به دلیل از دست دادن شغل خود ناگزیر به انتخاب مرگ خودخواسته می‌شوند، بخشی به جمعیت آمار ی تنگناران اضافه می‌شوند و بخشی نیز ناگزیر به تن‌فروشی و بخش دیگر به ناچار به طلاق هستند. آن وقت در چنین وضعیت نامشورای خیر فساد ۹۲ هزار میلیارد تومانی منتشر می‌شود و روان اجتماعی را نابود می‌کند.

چندی قبل در حاشیه یکی از جلسات دادرسی دادگاه‌های کیفری، قاضی از قاتل سؤال کرد چرا مرتکب قتل شدی که پاسخ متهم قابل تأمل بود. متهم گفت: چون توان آن را نداشتم اختلاس کنم. او در توضیح بیشتر عنوان کرد: «در آدمی کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌داد. هر چه تلاش می‌کرد نمی‌توانستم زندگی ام را تأمین کنم برای همین تصمیم به زدودی گرفتم. نمی‌شده برای سرقت و اد یک خانه شدم. فکر می‌کردم صاحبخانه حضور ندارد، اما هنگام سرقت چیزی از دستم افتاد و ناگهان چراغ روشن شد و صاحبخانه مقابلم قرار گرفت. برای فرار از دستش دست به چاقو شدم و با هم در گیر شدم، اینطور بود که به خاطر سرقت، پایم به پرونده قتل هم باز شد. کسی با آنهایی که اختلاس‌های کلان می‌کنند کاری ندارد، اما کسانی مثل من گرفتار می‌شوند.»

این موضوع به منزله دفاع از رفتار مجرمانه نیست، اما روشن است که شیوع مفسده در هر جغرافیایی که امکان بروز داشته باشد افراد زیادی را در معرض آسیب قرار خواهد داد. همه بضاعت آن را نداردند که رنج ناشی از فشارهای اقتصادی را تحمل و به امید گشایش بیشتر توکل با تلاش خود را افزایش دهند، برای همین این بخش از بدنه اجتماعی است که به راحتی دچار آسیب می‌شود. با وجود اینکه پرونده‌های فساد زیادی در محاکم قضایی مطرح و عاملان آن بازداشت و محاکمه می‌شوند، اما این رفتار هم قادر نیست اقبال عمومی نسبت به عملکرد دستگاه عدلیه یا ساختارهای نظارتی را با خود همراه کند، چراکه بعداز برمالاشدن یک مفسده، مفسده‌ای بزرگ‌تر رونمایی می‌شود. پرونده مفسده ۹۲ هزار میلیارد تومان رونمایی شد، چون پیشتر فساد تا معاون اجرایی بر قوه قضائیه رسوخ کرده بود و آنجا که از بروز اینگونه مفسده‌ها پیشگیری نمی‌شود، پیامد آن به آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود.



باز داشت فروشنده داروهای فاسد در شبکه‌های اجتماعی

رئیس پلیس فتا تهران بزرگ از دستگیری عامل فروش داروهای فاسد شده در فضای مجازی خبر داد.
به گزارش «جوان»، سرهنگ داوود معظمی گودرزی گفت: چند روز قبل کارشناسان پلیس فتا در جریان بررسی‌های مجازی یک کانال تلگرامی را با ۵۴ هزار دنبال کننده شناسایی کردند. وی ادامه داد: بررسی‌ها نشان داد مدیران کانال انواع داروهای نابین و کمیاب تاریخ گذشته را به کاربران می‌فروشد که مخفیگاه متهم را در حاشیه شهر شناسایی و همزمان با دستگیری وی بیش از ۵۴ هزار قلم انواع داروی کمیاب و ناباب تاریخ مصرف گذشته کشف کرد.
سرهنگ گودرزی گفت: متهم اعتراف کرد که داروهای تاریخ گذشته و غیرقابل استفاده را جمع‌آوری می‌کرد و به عنوان داروهای قابل مصرف در فضای مجازی به فروش می‌رساند.
که تحقیقات بیشتر از وی جریان دارد.

متهمان: عشق لباس پلیس داشتیم سارق شدیم!

■ محبوبه قربانی

شش مرد جوان که در پوشش پلیس مرتکب سرقت می‌شدند در جلسه محاکمه، ماجرا را شرح دادند و گفتند به عشق لباس پلیس یهود که سارق شدند.

پرونده روز گذشته در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی رسیدگی شد. ابتدای جلسه نماینده‌دادستان در قرائت کیفرخواست گفت: «متهمان سه برادر بودند که باهمدستی سه نفر از دوستانشان به اتهام سرقت و زورگیری در پوشش مأمور پلیس بازداشت شدند.متهمان به‌عنوان مأموران مبارزه با مواد مخدر در منطقه جاجرود، شاکیان را به دام می‌انداختند و بعد از سرقت پول، کارت عابربان و وسایل همراه آنها را رامی کردند.آنها در گیری با یکی از شاکیان بازداشت شدند.اما یکی از آنها همچنان متواری است.اتهام متهمان بازداشت‌شده مشارکت در پنج‌فقره زورگیری مسلحانه، حمل تجهیزات نظلمی و غصب عنوان پلیس است که برایشان درخواست شد مجازات اعدام.»

بعد از قرائت کیفرخواست، شاکیان یک به یک در درگیری با او بازداشت شده بودند. او در شرح ماجرا گفت: «روز حادثه‌همراه‌برادرم سوار موتور در تعقیب یک متهم بودیم. در مسیر بودیم که ناگهان دو نفر را سوار بر موتورسیکلت دیدم که بی‌سیم و دستپنجا داشتند. به آنها مشکوک شدم و پلاک موتور آنها را به پلیس اعلام کردم. همان موقع فهمیدم یک خودروی سواری پرشینیا نیز آنها را همراهی می‌کند، ولی به محض اینکه متوجه‌شدند پلاک ماشین‌شان با هم به پلیس گزارش داده‌ام بسد راهم شدند و بیسیم و حکمی را که همراه داشتم از من گرفتند.

آنها با برادرم درگیر شدند و با چاقو مرازند. در آن درگیری بود که مأموران پلیس رسیدند و همگی را بازداشت کردند.»
اخاذی در پوشش پلیس
یکی دیگر از شاکیان گفت: «از محل کار به خانه برمی‌گشتم که متهمان با یک خودروی سواری سد

حواالت

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



آن مرد خیلی ترسیده بود و التماس می‌کرد او را تحویل پلیس ندهیم. همین بهانه‌ای شد و از او پول گرفتیم.»

متهم ادامه داد: «فردای آن روز در همان منطقه جاجرود چند ساقی دیگر را شناسایی کردیم، حتی از یکی از آنها مقداری شیره و مبلغ ۳ میلیون تومان پول گرفتیم تا او را تحویل کلاتری ندهیم. این مدل پول گرفتن موجب شد با دوستانم این کار را ادامه دهیم.» متهم درباره اتهاماتش گفت: «زوزی همراه دوستانم برای تفریح به اتوبان بابایی رفته بودیم که درگیری با شاکي پرونده که خودش پلیس است دستگیر شدیم. بعد از اینکه به زندان رفتیم با وثیقه آزاد شدیم. این بار در پوشش مأمور امنیت اقتصادی دست به زورگیری زدیم و چند دلار فروش را به دام انداختیم. این پرونده در دادگاه بعثت رسیدگی شد و ما به زندان محکوم شدیم. من یک پرونده دیگر به اتهام جاسوسی در دادگاه انقلاب دارم که در حال رسیدگی است.» متهم در آخر عنوان کرد: «باور کنید از مدتی به مخفیگاه برادرم هیچ خبری ندارم. من و سایر متهمان قبل از دادگاه با هم صحبت کردیم و تصمیم گرفتیم حقیقت را بگوییم. زورگیری از سه شاکي حاضر در دادگاه را قبول دارم، ولی دیگر شاکیان را نمی‌شناسم.»

تلاش برای بخشیدن ۳قاتل پای چوبه‌دار



همین که در برابر اسلام کردم، ناگهان مایع داخل قابلمه‌ای را که در دست داشت روی صورت‌م پاشید و من فریادم به آسمان بلندشد و از هوش رفتم.» در حالی تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه داشت که به مأموران پلیس خبر رسید مریم به خاطر شدت جراحات فوت کرده‌است. بنابراین با مرگ دختر جوان پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و کار اگاهان پلیس آگاهی وارد عمل شدند. مأموران خیلی زود متهم را دستگیر کردند و وی هم با اظهار پشیمانی به قتل دختر جوان اعتراف کرد.

وی گفت: «من عاشق مریم بودم و دوست داشتم با او ازدواج کنم، اما خودش و خانواده‌اش به من جواب‌در دادند. پس از این خیلی تلاش کردم آنها را راضی کنم.اما موفق نشدم و به‌همین‌خاطر نقشه اسیدپاشی را طراحی و اجرا کردم. می‌خواستم پس از من هیچ کسی با عشقم ازدواج نکند و در نهایت وی او مایع اسیدی ریختم، اما فکر نمی‌کردم او فوت کندو الان هم پشیمان هستم.»
متهم در شعبه ۱۱۳ داداه کیفری محاکمه و به قصاص محکوم شد. حکم قصاص به‌رادر پس از تأیید در شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور برای اجرا به دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد و وی امروز برای اجرای حکم پای چوبه‌دار می‌رود.

■ **قتل مرد بنگاه‌دار**

دومین مردی که امروزه پای چوبه‌دار می‌رود، سامان نام دارد و متهم است.روز ۱۵ مردادسال ۹۲ مرد بنگاهداری را به خاطر مزاحمت برای همسر برادرش به قتل رسانده و جسد او را در بیابان‌های اسلامشهر رها کرده‌است.

۱۶ مرداد سال ۹۲ زنی در تهران به اداره پلیس رفت و از گم شدن ناگهانی همسرش شکایت کرد. وی گفت: «همسرم بهرام بنگاهدار است و

زورگیری به عشق لباس پلیس
دیگر متهم نیز در دفاع از خود گفت: «ما عشق این را داشتیم که پلیس شویم و لباس پلیس را بپوشیم، به همین خاطر سراغ لباس و تجهیزات پلیسی رفتیم. آن روز سلحه من اسباب‌بازی بود. باور کنید آن را خریده بودم فقط تا با آن نقش بازی کنم.» سومین متهم با تأیید این توضیحات گفت: «من راننده اسنپ بودم، وقتی در جاجرود اولین نفر را به دام انداختیم، همچان زدم و به این کار ادامه دادم.»

چهارمین متهم که با قرار وثیقه آزاد بود، گفت: «باور کنید در هیچ کدام از زورگیری‌ها دخالت نداشتم. فقط در اولین زورگیری همراه دوستانم بودم که هیچ پولی هم دریافت نکردم.»

پنجمین متهم که برادر ناتنی متهم فراری بود در دفاع از خود عنوان کرد: «بسه خاطر اعتیاد از کارهایی که برادرایم انجام می‌دادند هیچ اطلاعی نداشتم. بعد از دستگیری برادرم و فرار کنید از مخفیگاه برادرم هیچ خبری ندارم. من و سایر متهمان قبل از دادگاه با هم صحبت کردیم و تصمیم گرفتیم حقیقت را بگوییم. زورگیری از سه شاکي حاضر در دادگاه را قبول دارم، ولی دیگر شاکیان را نمی‌شناسم.»

دادسرای امور جنایی فرستاده شد.

■ **قتل شوهر عشق سابق**

آخرین متهم که قرار است با چوبه‌دار قصاص شود، مرد هنرمندی به نام پیمان است که برای رسیدن به عشق دیرینه‌اش، شوهر وی را در شامگاه پنج‌شنبه ۲۸ بهمن سال ۹۵ در بزرگراه آزادگان با شلیک گلوله به قتل رساند.

آن روز به مأموران پلیس تهران خبر رسید مرد ۳۲ساله‌ای به نام مرتضی در بزرگراه آزادگان هنگام پنچرگیری خودرو همسرش با شلیک گلوله مرد ناشناسی زخمی و پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده‌است. همسر مقتول در ادعایی گفت: «در بزرگراه آزادگان در حال رانندگی بودم که متوجه شدم لاستیک یا خودروی پژو ۴۰۶ خودم پنچر شده‌است، با شوهرم تماس گرفتم و درخواست کمک کردم و او هم به سرعت خودش را به محل رساند، اما هنگامی که در حال تعویض لاستیک بود، مرد موتورسواری با کلت کمری به سوی او شلیک شد و او را کُرد.»

کار اگاهان در بررسی چرخ‌های خودرو متوجه شدند که هیچ‌کدام از لاستیک‌ها پنچر نشده‌بود. آنها احتمال دادند که همسر مقتول ماجرای آن پنهان می‌کند، بنابراین بار دیگر از او تحقیق کردند. متهم وقتی با مدارک و دلایل روبرو شد، اعتراف کرد که شوهرش را خواستگار سابقش به قتل رسانده‌است. وی گفت: «پیمان خواستگار سابقم بودم، اما موفق به ازدواج نشدم و من با مرتضی ازدواج کردم. او مدتی قبل متوجه اختلاف من با شوهرم شد و پیشینهاد قتل شوهرم را داد و من هم قبول کردم و دو نفری نقشه را طراحی و اجرا کردیم. آن شب به دروغ شوهرم را به آزادگان کشاندم و پیمان هم او را با شلیک گلوله به قتل رساند.»

با اعتراف متهم مأموران پیمان را بازداشت کردند، وی هم به قتل اعتراف کرد. متهم گفت: «من مردی هنرمند هستم و تالان ۲۰ جلد کتاب در زمینه‌های هنری نوشته‌ام و بازیگر هم هستم. ۱۶ سال قبل بود که به خواستگار ایلمیرا رفتم، اما موفق به ازدواج با او نشدم تا اینکه مدتی قبل در ایستگاهرام دوباره همدیگر را پیدا کردیم. او می‌گفت شوهرش او را ازیت می‌کند. شیطان مرا فریب داد و تصمیم گرفتم شوهرش را از سر راه بردارم و با او دواج کنم.»
متهم پس از اعتراف در دادگاه محاکمه شد و اولیای‌دم برای وی درخواست قصاص دادند. حکم قصاص متهم پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای مسیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی فرستاده شد.



رئیس جمهور دستور داد خودروهای بی کیفیت را شماره گذاری نکنیم

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی فرا‌جا از دستور رئیس‌جمهور برای عدم شماره گذاری خودروهای بی کیفیت و واردا تی خیر داد. سردار سیدکمال هادیانفر در حاشیه نشست تخصصی رؤسای پلیس راهور با مدیران کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای در پاسخ به این پرسش که باوجوداینکه پلیس همواره از کیفیت و ایمنی خودروهای تولید داخل انتقاد می‌کند، چرا همچنان این خودروها را پلاک می‌کند، گفت: «مشکل نقص در قانون است. در قانون به صراحت آمده‌است که برای شماره گذاری خودروهاچند مرجع از جمله وزارت صمت، سازمان محیط‌زیست و سازمان استاندارد باید تأیید صادر کنند که بعداز صدور تأییدیه، پلیس مکلف است بر اساس قانون خودروهای تولید داخل و وارداتی را شماره گذاری کند.» وی ادامه داد: «برای رفع این خلأ،رئیس‌جمهور جلسه‌ای برگزار کردیم که وی تأکید کرد چنانچه پلیس احساس کند در رابطه با ایمنی و کیفیت خودروها کوتاهی صورت می‌گیرد، حتماً جلوی شماره گذاری گرفته شود.»

هادیانفر با بیان اینکه سازمان استاندارد در دوره‌های گذشته در این زمینه کوتاهی کرده‌است، ادامه داد: «اراده مجلس، کمیسیون اصل ۹۰، کمیسیون صنعت، کمیسیون عمران و کمیسیون شوراها برای جلوگیری از شماره گذاری خودروهای بی کیفیت وجود دارد و این مقوله نباید رها شود، مخصوصاً از سوی رسانه‌ها و خبرنگاران، باید به‌معنای واقعی به تولید خودروی ملی برسیم.»

یادداشت

افزایش کودک آزاری در غفلت خانواده‌ها

گویند و در نهایت در آینده‌ای نه چندان دور به مسائل بزرگتری دچار می‌شوند. کودک آزاری پدیده‌ای است که اگر چه در بسیاری از سطوح پنهان نگه‌داشته‌می‌شود، اما این جرم جزو بزهکاری‌های سیاه تلقی می‌شود، زیرا به دلیل ضعف جسمی و شخصیتی، بزه‌دیده نسبت به تضییع حقوق و آزاردیدگی وی، نوعاً اعلام جرم نمی‌شود.

پدیده کودک‌آزاری به معضلی اجتماعی تبدیل‌شده که نیازمند شناسایی و درمان ریشه‌ای هر چه سریع‌تر در جامعه‌است. از سوی دیگر ابعاد روانی ناشی از این پدیده نیز امری بسیار مهم و تأثیرگذار است، به‌گونه‌ای که آینده کودک، خانواده و جامعه را دستخوش اثرات بسیار زیانبار و جبران‌ناپذیر می‌کند. از عوارض کودک‌آزاری و غفلت می‌توان به سلامت جسمی ضعیف (خستگی مزمن و ضعف سیستم ایمنی)، پیدایش عاطفی و روانی ضعیف(افسردگی و اضطراب)، مشکلات اجتماعی، اختلال عملکرد شناختی (نقص در توجه و مهارت حل مسئله) مصرف موادمخدر و مشکلات رفتاری (برخاشگری) اشاره کرد، بنابراین پیامدهای کودک‌آزاری شامل جنبه‌های مختلف، عاطفی، اجتماعی و شناختی است. به تعبیر دیگر به درخواست والدین وی،پاره‌خویش‌قدم در این دنیا می‌نهد و مأمّن و پناهگاهی جزم آغوش گرم خانواده و خصوصاً پدر و مادر نمی‌شناسد، در سایه همین پناهگاه،بزرده می‌شود، بنابراین کودک آزاری از جرائمی است که قلب هر انسانی را به درد می‌آورد، کودک آزاری به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم محسوب می‌شود. این پدیده بحران در یک جامعه‌است، امروزه روند رو به رشدی در شهر تهران را طی می‌کند.در حالی که تعداد بی‌شماری از کودکان به علت فقر، سوءتغذیه، بیماری‌های واگیردار و جنگ جان خود را از دست می‌دهند، شاهد تعداد زیادی مرگ و میر کودکان بر اثر سوءرفتار هستیم. مراقبت برای رشد اولیه و تکامل کودکان راه‌گشای زندگی آنان در آموزش خودتکابلی و زندگی مستقل در آینده است.

طی بررسی‌های انجام شده عواملی چون طلاق، کاهش درآمد و فقر، بیکاری، اعتیاد والدین، ناآگاهی و فقصر فرهنگی، موجب بروز پدیده کودک‌آزاری می‌شود. در شهر تهران ناآگاهی خانواده‌ها نقش بسزایی در کودک آزاری دارد. خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه می‌تواند با آگاهی و هوشیاری خود گام مؤثری در کاهش این آسیب‌ها بردارد. در خانواده‌های نابسامان کودکان نمی‌توانند‌انطور که باید نیازهای جسمی، عاطفی و روانی خود را پاسخ

مفقودی

برگ سبزی، برگ کمپانی و و کالتنامه خودروی رانا TU۵ مدل ۱۳۹۸ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸-۶۹۲۸۴۲ و شماره موتور ۰۲۱۶۵۴۰۰۱۶۶B و شماره شاسی ۰۰۴۴KT۲۳۰۱۶۸NAU و متعلق به زهره هایدی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
الیز